

International liability of Saudi-backed coalition in targeting educational facilities in Yemen

Vahid Dehnavi¹ - Navid Zamaneh Ghadim²

Abstract:

For nearly seven years, Saudi Arabia and its allies have waged a war on Yemen, resulting in massive civilian casualties, especially among children, and widespread damage to educational facilities in the country. According to the principles of international law, targeting educational facilities as part of cultural property constitutes a violation of humanitarian law, including the four Geneva Conventions. However, the extent to which this violation entails the international liability of the Saudi-backed coalition in the global arena and whether the foreign actors intervening in Yemen are liable for targeting educational facilities or not are the main questions of this research, which have been investigated based on the norms of international law. The research findings suggest that since international liability law is derived from the notion of equal sovereignty of states and the nature of the international legal system, it seems that the issue of third-state liability for aiding or abetting or otherwise participating in an internationally wrongful act is a well-established concept in international law. Therefore, the Saudi-backed coalition bears international liability for destroying educational facilities and should be held accountable for their wrongful acts according to international mechanisms.

Keywords: International liability, Saudi-backed coalition, targeting educational facilities, Yemen

1 Assistant Professor of International Law, Imam Hussein University of Officers and Guards Training, Tehran, Iran. (Corresponding Author) v.dehnavi63@gmail.com

2- PhD in International Law and University Lecturer. Navid.zamani90@gmail.com.

مسئولیت بین‌المللی حامیان عربستان در حمله به اماکن آموزشی یمن

وحید دهنوی^۱ | نوید زمانه‌قدیم^۲

۸

سال پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۴/۱۴

صص: ۹۹-۱۱۹

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR: 20.1001.1.25386328.1402.5.8.5.7

چکیده:

قریب به هفت سال از تجاوز عربستان و حامیانش به یمن و کشتار غیرنظامیان به‌خصوص کودکان و همچنین تخریب اماکن آموزشی این کشور می‌گذرد. مطابق با قواعد مطروحه در حقوق بین‌الملل، تعرض به اماکن آموزشی به‌عنوان بخشی از اماکن فرهنگی، ناقض حقوق بشردوستانه ازجمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است؛ اما اینکه این نقض تا چه اندازه موجبات مسئولیت بین‌المللی حامیان عربستان را در عرصه بین‌الملل فراهم کرده است و آیا اصولاً بازیگران بین‌المللی مداخله‌کننده در یمن، در حمله به اماکن آموزشی مسئولیت دارند یا خیر، سؤال اصلی این پژوهش است که با اِبتِنای بر موازین حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار داده شده است. بنا به یافته‌های پژوهش، ازآنجا که امروزه حقوق مسئولیت بین‌المللی را به‌نوعی برگرفته از اندیشه تساوی حاکمیت دولت‌ها و ماهیت نظام حقوق بین‌الملل می‌دانند، به‌نظر می‌رسد که بحث از مسئولیت دولت ثالث به دلیل کمک و مساعدت یا به نحوی نقش داشتن در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی امری پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل است؛ ازاین‌رو حامیان عربستان در انهدام اماکن آموزشی مسئولیت بین‌المللی داشته و می‌بایست بر اساس مکانیزم‌های بین‌المللی، پاسخگوی افعال متخلفانه خود باشند.

کلید واژه‌ها: مسئولیت بین‌المللی، حامیان عربستان، تخریب اماکن آموزشی، یمن

۱. نویسنده مسئول: استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، تهران، ایران.

v.dehnavi63@gmail.com

۲. دکتری حقوق بین‌الملل و مدرس دانشگاه. Navid.zamani90@gmail.com

مقدمه:

حملات هوایی عربستان سعودی به یمن در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۴/۵/۱ مطابق با ۲۰۱۵/۳/۲۵، سرآغاز مخاصمه‌ای مسلحانه بود که تاکنون بیش از هفت سال به طول انجامیده است. این حملات به درخواست رئیس‌جمهور مستعفی «منصور هادی»، با ادعای حمایت از کشور و مردم یمن از تجاوز مداوم حوثی‌ها و با ادعای استناد به اصل دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد، با استفاده از همه ابزارهای لازم ازجمله مداخله نظامی صورت پذیرفت. اینکه اقدام نظامی عربستان و حامیانش و همچنین قطعنامه‌های ۲۲۰۱، ۲۲۰۴ و ۲۲۱۶ (مصوب ۱۴ آوریل ۲۰۱۵) شورای امنیت مبنی بر حمایت از اقدام عربستان، از مشروعیت لازم مطابق با اصول و قواعد بین‌المللی ازجمله مواد ۴۲، ۴۳ و ۵۱ منشور سازمان ملل متحد برخوردار است یا خیر را در نوشتاری دیگر می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ اما آنچه ما شاهد آن هستیم این است که حملات این رژیم و حامیانش، محدود به مقابله با صرفاً یکی از بازیگران غیردولتی به اصطلاح تجزیه‌طلب و اماکن نظامی نبوده، بلکه افراد و اماکن غیرنظامی ازجمله اماکن آموزشی را نیز مورد حمله قرار داده و موجبات نقض حقوق بشردوستانه را فراهم نموده است؛ ازاین‌رو پرواضح است که در قلب صحنه این نبرد، جمعیت غیرنظامی یمن است که به‌طور فزاینده‌ای قربانی حملات ددمشانه شده‌اند و بیشترین هزینه‌ها را پرداخته‌اند. این پژوهش به ابعاد مختلف موضوع فوق مطابق با اسناد و قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی و با ابتنای بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه پرداخته است.

آنچه که ضرورت بررسی تعرض به اماکن آموزشی را مطرح می‌سازد، توجه به واقعیتی است که با مسئولیت بین‌المللی و حقوق بشردوستانه گره خورده است. تاکنون کمتر پژوهشی متقن انجام شده که به ابعاد مختلف مسئولیت بازیگران بین‌المللی در صورت حمله به اماکن آموزشی در مخاصمات مسلحانه پرداخته باشد.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه از شاخه‌های حقوق بین‌الملل بوده که دو موضوع کلی را مطرح می‌نماید؛ نخست آنکه چنانچه درگیری مسلحانه به وقوع پیوست، دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی با محدودیت مواجه بوده به گونه‌ای که منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر نگردد؛ و دوم اینکه منزلت و کرامت آن‌هایی که در جنگ حضور نداشته و یا به حضور مؤثر خود در مخاصمه پایان داده‌اند، حفظ گردد. آنچه عیان است تخلف آشکار رژیم سعودی و حامیانش در

بی‌توجهی محض به اصول فوق بوده و در این راستا سؤالی مطرح است که اصولاً اقدامات حامیان عربستان در حمله به اماکن آموزشی یمن به بهانه مقابله با یکی از بازیگران غیردولتی (حوثی‌ها)، موجبات مسئولیت بین‌المللی را فراهم می‌آورد یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، دایره شمول این مسئولیت تا چه اندازه می‌باشد.

چارچوب نظری:

عربستان پس از روی کار آمدن بن سلمان و به‌منظور به دست آوردن جایگاه مناسب در منطقه، مدام دست به ماجراجویی‌های زده و با همراه ساختن برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از تشکیل ائتلاف نظامی در مقابله با تروریسم گرفته تا حضور مستقیم و غیرمستقیم در سایر کشورها در پی نقش‌آفرینی مؤثر خود است. پشتیبانی مالی و تسلیحاتی بازیگران غیردولتی همچون داعش و مزدورانی که در منطقه تنش‌آفرین هستند و همچنین حمله به یمن و زیرساخت‌های این کشور ازجمله اماکن آموزشی با ادعای مبارزه با یکی دیگر از بازیگران غیردولتی (حوثی‌ها)، تنها بخشی از اقدامات این رژیم در دهه اخیر است. چگونگی تحقق مسئولیت بازیگران بین‌المللی حامی عربستان در حمله به مراکز آموزشی موضوعی است که مسیر پژوهش حاضر را مشخص نموده است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا تلاش شده است ضمن مفهوم‌شناسی بازیگران غیردولتی و نظام مسئولیت، حامیان عربستان در حمله به یمن از لحاظ نظری و عملی مورد شناسایی قرار گرفته و توصیف شود؛ سپس جنبه‌های حقوق بین‌المللی تعرض به اماکن آموزشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در نهایت نسبت به امکان‌سنجی مطابق با واقعیات حقوق بین‌الملل در راستای مسئولیت بین‌المللی اقدام شود. گردآوری اطلاعات نیز به‌صورت کتابخانه‌ای بوده و از بررسی منابع حقوق بین‌الملل یاری گرفته شده است.

مفهوم مسئولیت بین‌المللی^۱

پیرامون پیدایش نظام مسئولیت می‌توان گفت که هر نظام حقوقی باید مسئولیت تابعان خود بابت نقض تعهدات^۲ آن‌ها را مورد توجه قرار دهد؛ اما مسئولیت در دکترین حقوق بین‌الملل، برای

1 International responsibility

۲ نقض تعهد که ناشی از قواعد عام یا خاص حقوق بین‌الملل است، زمانی محقق می‌شود که فعل متخلفانه‌ای قابلیت انتساب به دولتی را داشته و در یک سلسله مراتب سیستماتیک قرار گرفته باشد. اجرای قواعد اولیه مستلزم رعایت

مدت‌های طولانی مورد توجه نبود. مؤلفان توجه خود را معطوف به حوزه‌های ماهوی حقوق - بین‌الملل از جمله حقوق دریاها، حقوق جنگ، روابط دیپلماتیک یا حقوق رفتار با بیگانگان نموده بودند. گاهی اوقات شناسایی قواعد خاص و رویه‌های مرتبط با هر حوزه از قواعد حقوق بین‌الملل و شناسایی سازوکارهایی از قبیل اقدامات تلافی‌جویانه و توسل به جنگ که دولت‌ها برای استیفای حقوق خود ممکن بود به آن‌ها مبادرت کنند، علاقه‌مندی اصلی آن‌ها بود و هرازگاهی هم که در مورد مسئولیت مباحثی مطرح می‌شد، به گونه‌ای آن‌ها را تلقی می‌کردند که گویا با قواعدی سروکار دارند که فاقد هرگونه اسلوب و مبنای نظام‌مند هستند و به تبع قواعد ماهوی جایگاهی پیدا می‌کنند. نمی‌توان تا اواخر قرن نوزدهم میلادی حوزه مطالعاتی مستقلی را برای مسئولیت بین‌المللی پیدا نمود. پس از آن زمان نیز مسئولیت بین‌المللی منحصرأ تحت عنوان مسئولیت دولت^۱ مورد توجه قرار می‌گرفت. این عنوان بدین جهت انتخاب شد که در آن زمان، تنها دولت‌ها بازیگران بین‌المللی واقعی^۲ به شمار می‌آمدند. ویتوریا^۳، سوارز^۴، بُدن و دیگر مؤلفان متقدم، مسئولیت را به‌عنوان یک شاخه از حقوق شناسایی نکردند. گرایش آن‌ها این بود که از نقطه نظر الهی با این شاخه برخورد نمایند (کرافورد، ۱۳۹۵: ۱۶).

قواعد ثانویه است بدین معنا که قواعد ثانویه مراحل اجرا و نقض قواعد اولیه را در برمی‌گیرد. نظم جامعه بین‌الملل در مسیری قرار دارد که تابعان اصلی آن یعنی دولت‌ها همواره مسئول اعمال خود باشند، اعمالی که در قالب فعل و یا ترک فعل بروز و ظهور پیدا می‌کنند. دولت‌ها از آنجاکه دارای شخصیت حقوقی می‌باشند و از اختیارات وسیعی در نظام بین‌الملل برخوردار هستند از طریق گروه‌های انسانی اقدام نموده و این فعل و یا ترک فعل گروه‌های اخیرالذکر می‌تواند قابلیت انتساب به دولت را پیدا کند؛ به بیان دیگر دولت به‌خودی‌خود نمی‌تواند اقدامی انجام دهد مگر از طریق اشخاص، گروه‌ها یا ارکان وابسته به دولت. ازاین‌رو، وجود رابطه علیت بین فعل یا ترک فعل یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی و عمل مخالف حقوق بین‌الملل از طریق مجموعه قواعد مربوط به انتساب مسئولیت احراز می‌شود و نظم حاکم بر جامعه بین‌المللی ایجاب می‌نماید که تابعان اصلی حقوق بین‌الملل مسئول فعل یا ترک فعل‌های خود باشند. برای مطالعه بیشتر ر.ک (ملکی زاده، امیرحسین ۱۳۹۱)، تحلیل مفهوم قابلیت انتساب مسئولیت بین‌المللی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، نشریه راهبرد، شماره ۶۴، سال بیست و یکم)

1 State Responsibility

2 International Actors

3 Vitoria

4 Suarez

مسئولیت بین‌المللی واجد آثار و پیامدها و به زبان حقوقی حامل حقوق و تکالیفی برای بازیگران بین‌المللی خواهد بود. مسئولیت بین‌المللی تضمین‌کننده ادامه حیات حقوق بین‌الملل است چراکه نبود نظام حمایت‌کننده از زیان‌دیدگان از نقض حقوق بین‌الملل، ماهیت وجودی حقوق بین‌الملل را با چالش جدی مواجه می‌سازد و عملاً با این مسئله مواجه خواهیم شد که «تعهد بین‌المللی» عاری از مفهوم حقوقی^۱ و حقوق بین‌الملل به اخلاق بین‌المللی فرو کاسته می‌شود. البته باید توجه داشت وجود نظام مسئولیت بین‌المللی که از سه بخش تحقق (ایجاد)، پیامد و اجرا تشکیل می‌شود با سازوکارهای اجرای مسئولیت بین‌المللی، دو موضوع هرچند مرتبط، اما متفاوت هستند. ضعف و حتی فقدان سازوکارهای اجرای مسئولیت بین‌المللی نباید باعث شود که عطای بررسی حقوق مسئولیت بین‌المللی به لقای آن بخشیده شود (زمانی، ۱۳۹۰: ۵۴).

به‌واقع مسئولیت بین‌المللی، پاسخگویی در قبال اعمال زیانباری می‌باشد که در نظام بین‌الملل از قواعد ثانویه بوده و در صورت نقض قواعد اولیه همچون حقوق بشر و ... متخلف مسئولیت مدنی پیدا کرده و می‌بایست جبران خسارت نماید. اصولاً مسئولیت بر یکی از دو مبنای خطا یا خطر قرار دارد. در زبان انگلیسی دو واژه Liability و Responsibility به ترتیب برای مفاهیم «مسئولیت بین‌المللی بابت اعمال متخلفانه یا منع شده» و «مسئولیت بین‌المللی بابت اعمال منع نشده» یاد شده است (حدادی، ۱۳۹۶: ۱۰).

تحقق مسئولیت بین‌المللی بابت عمل متخلفانه بین‌المللی، مستلزم ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی است. عمل متخلفانه بین‌المللی، خود از دو عنصر تشکیل می‌شود: انتساب و نقض تعهد بین‌المللی. باین‌وجود می‌بایست بین اعمال منع شده در حقوق بین‌الملل و اعمال منع نشده تمایز قائل بود چراکه لازمه مسئولیت نوع اول ارتکاب عملی است که حقوق بین‌الملل را نقض کرده باشد، حال آنکه نوع دوم به آثار زیان‌آور ناشی از فعالیت‌هایی که به‌خودی‌خود حقوق بین‌الملل را نقض نمی‌کند مربوط می‌شود (زمانی، ۱۳۸۲: ۱۰).

۱ درواقع نقض تعهد بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی را ایجاد می‌نماید. البته در مواردی الزاماً نقض تعهد بین‌المللی مسئولیت را به وجود نمی‌آورد چراکه این امکان وجود دارد در موارد استثنا، مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل همچون حقوق محیط‌زیست و ... باشد.

حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه، بخشی از موازین حقوقی ناظر بر مخاصمات مسلحانه است که نحوه انجام عملیات جنگی و رفتار متخاصمان در راستای غایت انسانی شدن مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی تنظیم می نماید (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۳). حقوق بین الملل بشردوستانه^۱ به آن بخش از حقوق بین الملل عمومی اطلاق می شود که بر کاربرد نیروی مسلح و رفتار با افراد در جریان درگیری مسلحانه حاکم است (بلدسو، ۱۹۸۷: ۳۷۱). هدف حقوق بین الملل بشردوستانه کاهش یا محدود کردن رنج و آلام افراد در زمان جنگ و دیگر درگیری های مسلحانه می باشد. در مفهوم مزبور، این حقوق را باید توسعه اصول حمایت از حقوق بشر به موارد درگیری های مسلحانه تلقی کرد. در مفهوم کلی، حقوق بین الملل بشردوستانه، حقوقی است که جایگزین مفهوم قدیمی حقوق جنگ یا حقوق درگیری های مسلحانه^۲ شده است.

پرواضح است که در زمان مخاصمات مسلحانه خشونت علیه افراد زیاد می شود و نقض حقوق ایشان را در پی خواهد داشت؛ بنابراین احترام به شأن و منزلت افراد و حمایت از آن ها در چنین وضعیتی یک تعهد اولیه و اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه است و باید از سوی طرفین مخاصمه رعایت گردد خواه این کنشگران بازیگران دولتی یا غیردولتی باشند. درواقع این حقوق، حقوقی حمایتی است که از افراد در زمان مخاصمات مسلحانه صورت می گیرد. به یقین می توان گفت که واژه حمایت مرکز ثقل حقوق بین الملل بشردوستانه است و تمام قوانین و مقررات این حقوق براساس حمایت از افراد شکل گرفته و قاعدتاً ماهیت اصلی چنین حقوقی حمایت از افراد به طور عام است و اصل حمایت پایه و اساس نظام بین الملل حقوق بشردوستانه را تشکیل می دهد.

حوادث جنگ جهانی دوم سبب شد تا اخلاقی کردن رفتار دولت ها در صحنه نبرد و در نظر گرفتن حقوق عام بشریت و حیثیت و کرامت ذاتی انسان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و گام عمده ای برای توسعه قواعد مربوط به مسئولیت بین المللی محسوب شود (راعی، ۱۳۹۳: ۳۵). در گذر زمان و در پرتو گسترش ارتباطات، وابستگی های مادی و معنوی، منافع متقابل بشری، وجدان و احساس مشترک در حل مشکلات و معضلاتی که حیات نوع بشر را به مخاطره می افکند؛ حساسیت و گرایش افکار عمومی به حقوق فردی انسان ها افزایش یافت و این ضرورت احساس شد که باید

1 International Humanitarian Law

2 Law of war / Law of Armed Conflict

ریشه‌ها و عوامل وقوع جنگ با الهام از اندیشه‌ها و رویکردهای بشردوستانه، هدایت و کنترل شود و با توجه به دخیل بودن بشریت در این مناقشات، اصل شرافت، حیثیت و نجات بشر ملاک اعمال و اقدامات قرار گیرد، نه مقتضیات و ضرورت‌های نظامی (شریفی طراز کوهی، ۱۳۷۵: ۱۲).

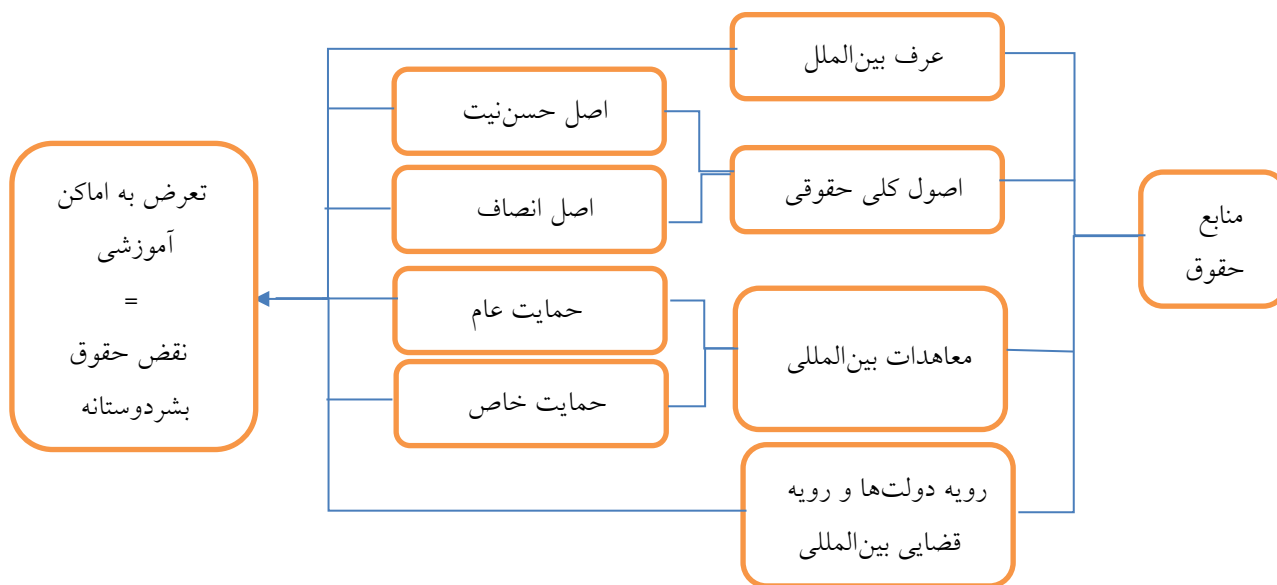
در این راستا توسل به زور بر اساس بند چهار ماده دو منشور سازمان ملل متحد ممنوع است. دولت‌ها می‌توانند تنها در مقام اعمال حق دفاع مشروع ذاتی خود به صورت فردی یا جمعی (ماده ۵۱) یا در چارچوب اقدامات شورای امنیت (مواد ۳۹-۴۳) به زور متوسل شوند. از این منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز در مورد طرف‌های هر محاصمه مسلحانه، صرف نظر از طرف آغازگر آن محاصمه اعمال می‌شود (علی‌رغم این که وقوع محاصمه مسلحانه غیرمتخلفانه باشد، اعمال حقوق بشردوستانه لازم است). این حقوق متضمن کلیه مقرراتی است که ناظر بر حمایت از نوع بشر در محاصمات مسلحانه می‌باشد (کریستوفر گرین وود، ۱۳۸۷: ۱۹). یکی از مباحثی که در حمله عربستان و حامیانش قابل تأمل است، عدم رعایت مقررات مطروحه می‌باشد؛ به گونه‌ای که نقض حقوق بشردوستانه محدود به افراد غیرنظامی نبوده و حتی کودکان و اماکن فرهنگی و آموزشی و ... را با شدیدترین حملات در مسیر نابودی قرار داده است؛ از این رو نقش حقوق مسئولیت بین‌المللی مطرح می‌باشد.

مصونیت اماکن آموزشی به موجب حقوق بشردوستانه

تبلور تعهد و تضمین رعایت قواعد مرتبط با حقوق بشردوستانه که از تعهدات اصلی دولت‌ها در زمان محاصمات می‌باشد را می‌توان در ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و ماده یک پروتکل الحاقی اول مشاهده نمود. این قاعده در رویه دولت‌ها به منزله یک قاعده عرفی در محاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌باشد (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۷۰). بر این اساس کشورها متعهد می‌شوند مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را در شرایط جنگی مورد توجه قرار دهند و درواقع این دولت‌ها هستند که یکدیگر را در احترام به حقوق محاصمات مسلحانه وامی‌دارند؛ از این رو تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، نوع ویژه‌ای از تعهدات دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است که براساس آن دولت‌ها نه تنها در قبال اعمال خود، بلکه نسبت به رفتار دیگران نیز تعهداتی را می‌پذیرند. به بیان دیگر، دولت‌ها نه تنها خود متعهد به رعایت این مقررات هستند بلکه تعهداتی را جهت ایجاد بسترهای مناسب برای اجرای مقررات مزبور توسط دیگر

بازیگران و نیز مقابله با دولت‌های متخلف، بر عهده می‌گیرند (صابری، ۱۳۷۸: ۱۵). از قواعد مهم در مخاصمه مسلحانه عدم حمله به اماکن غیرنظامی از جمله مکان‌های آموزشی است؛ بر این اساس و مطابق با ماده ۵۲ پروتکل یک اموال غیرنظامی به هر آنچه با هدف نظامی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، گفته می‌شود؛ بنابراین تجهیزات نظامی، مسیری که اهمیت استراتژیک دارد، ساختمانی غیرنظامی که تخلیه شده و توسط نظامیان اشغال می‌شود، اموال غیرنظامی نیستند؛ لکن در زمان تردید، اموالی که معمولاً برای استفاده‌های غیرنظامی اختصاص داده می‌شود، غیرنظامی است و نباید مورد حمله قرار گیرند که این موضوع هرگز مورد توجه عربستان و حامیانش در تهاجم به یمن قرار نگرفته و قرائن نشان‌دهنده نقض فاحش حقوق بین‌الملل در حمله به اماکن آموزشی با ادعای از بین بردن زیرساخت‌های جنبش انصارالله، است.^۱ از این رهگذر، ممنوعیت حمله به اماکن آموزشی را می‌توان در منابع حقوق جنگ به جستجو نشست. منابعی که بی‌ارتباط با منابع حقوق بین‌الملل نبوده و عرف، اصول کلی حقوقی، قراردادهای بین‌المللی و رویه قضایی دولت‌ها نقش مؤثری مطابق با مدل مفهومی ارائه شده ایفا می‌نمایند.

جدول ۱- مدل مفهومی مصونیت اماکن آموزشی به موجب حقوق بشردوستانه



1 <https://www.irna.ir/news/81731670>

حمایت از اماکن آموزشی به موجب عرف بین‌المللی

عرف آن است که بر اثر گذر زمان و تکرار، حالت الزام آور پیدا کرده و از آنجا که همیشه مناسبات دوستانه و مسالمت‌آمیز یا مناسبات خصمانه و غیر مسالمت‌آمیز، به تناوب میان کشورها وجود داشته است، بنابراین حقوق جنگ و متعاقب آن حقوق بشردوستانه، همچون حقوق دیپلماتیک و کنسولی، پیشینه طولانی دارد که به‌طور کلی از عرف مایه می‌گیرد. به این ترتیب، عرف جایگاهی بسیار مهم و اساسی در حقوق بشردوستانه دارد. از این رو عهدنامه‌های لاهه صراحتاً موضوع را به حقوق عرفی جنگ ارجاع می‌دهند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۷۹). در وقع عرف، یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل است که تشکیل آن، مستلزم وجود عنصر مادی و معنوی است. منابع عرف متعدد و گوناگون است؛ به عنوان مثال می‌توان حتی در اسنادی که توسط حکومت‌ها و خطاب به نیروهای مسلح آن‌ها است نیز منبع عرفی غنی و سرشاری ملاحظه کرد، مانند پیمان زوریخ مورخ ۱۹۳۵ که کشورهای عضو به موجب قاعده عرفی مقرر در بند اول ماده ۲۷ مقررات لاهه متعهد می‌شوند با اشیایی که مشمول حمایت مقرر در این پیمان قرار نمی‌گیرند به مانند اهداف غیرنظامی رفتار کنند (دیتر فلک، ۱۳۸۷: ۵۱۲). از سوی دیگر، کمبودهای موجود در حقوق قراردادی یا موضوعه را می‌توان با حقوق عرفی رفع نماید؛ چرا که قواعد عرفی جنگ، قواعد قابل اجرایی هستند که می‌تواند در صورت نبود تعهدات قراردادی، کشورهای درگیر را به یکدیگر پیوند دهد. حمله به اماکن آموزشی زمانی که از این اماکن تنها در جهت آموزش استفاده می‌شود، اقدامی مذموم و غیرقابل قبول است. آنچه متأسفانه در سال‌های اخیر بیشتر با آن مواجه هستیم از حمله به اماکن آموزشی در عراق و افغانستان گرفته تا تهاجم به این اماکن در سوریه و یمن، عدم اهتمام کشورهای درگیر در مخاصمه به قواعد عرفی است.

حمایت از اماکن آموزشی به موجب اصول کلی حقوقی

اصول کلی حقوقی، به عنوان یکی از منابع نظام حقوقی بین‌المللی، مجموعه احکام عامی هستند که منشأ وضع چند قاعده جزئی تر به شمار می‌آیند. اصول حقوقی، مفاهیم کلی، دائمی و انتزاعی هستند که نماینده ارزش‌های حاکم بر نظام حقوقی قلمداد می‌شوند و به خاطر این ویژگی‌ها از مفاهیمی چون قاعده حقوقی، روح قانون و اصول عملیه تفکیک می‌شود. در حقوق

جنگ و پیرو آن حقوق بشردوستانه به اصول کلی حقوقی، نسبت به سایر منابع، کمتر بها داده شده است؛ به طوری که معمولاً به خطا حقوق جنگ را، تنها «رسوم و قوانین جنگی» می‌دانند؛ اما درواقع اصول کلی حقوقی در حقوق جنگ، نقشی تقریباً به همان اندازه مهم ایفا می‌کند که در حقوق صلح از سوی دیگر، عرف و قراردادهای مربوط به حالت جنگ، همیشه بر اصول کلی حقوقی مبتنی می‌باشد. ازجمله این اصول، اصل حسن نیت است که پایه و اساس روابط بین‌المللی را تشکیل داده و زیربنای حقوق جنگ نیز محسوب می‌شود (دیتر فلک، ۱۳۸۷: ۸۰). در حمله عربستان و حامیانش به یمن نیز شاهد بی‌توجهی و عدم رعایت اصول کلی حقوقی ازجمله اصل انصاف و اصل حسن نیت هستیم؛ چراکه با اطلاع دقیق از وضع اسفبار مردمان غیرنظامی یمن، سعودی‌ها با تجهیزات پیشرفته نظامی خود به مردم و اماکن غیرنظامی همچون اماکن آموزشی یورش می‌برند که از آن جمله می‌توان به حمله جنگنده‌های سعودی به مدرسه «البساتین» در منطقه «میت» اشاره نمود.

حمایت از اماکن آموزشی به موجب معاهدات و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی

به‌ندرت در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه به‌طور مستقیم و مستقل به اماکن آموزشی اشاره شده است، جز چند مورد و از جمله پیمان‌نامه مورخ ۱۹۳۵ که در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی، مرکز علمی و هنری در زمان جنگ. همچنین ماده هشت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و بند (د) ماده سه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق که مستقلاً به اماکن آموزشی اشاره شده است. به نظر می‌رسد اماکن آموزشی در اسناد بین‌المللی را باید ذیل عنوان «اموال و اماکن فرهنگی» مورد بررسی قرار داد؛ چراکه مطابق عرف جهانی آموزش بخشی از فرهنگ است و مکان‌های آموزشی در زمره اماکن فرهنگی محسوب می‌شوند. با بررسی اسناد بین‌المللی آشکار می‌شود که اولین کاربرد اصطلاح اموال فرهنگی را می‌توان در معاهده ۱۹۵۴ حفاظت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه یافت (شنگ، ۲۰۱۰: ۸۸).

اموال فرهنگی مطابق ماده یک کنوانسیون اموال فرهنگی^۱ که به عبارتی مهم‌ترین سند حقوق بین‌الملل در حوزه حمایت از اموال و اماکن فرهنگی می‌باشد، شامل آثار معماری، هنری یا تاریخی

1 Hague convention for the Protection of cultural property in the event of Armed conflict of 14 May 1954.

اعم از مذهبی یا غیرمذهبی و مناظر باستانی است. از این منظر اماکن آموزشی ذیل اموال فرهنگی موضوع حمایت هستند و مطابق کنوانسیون اموال فرهنگی این حمایت‌ها را می‌توان در دو بخش عام و خاص ارائه نمود:

حمایت عام از اماکن آموزشی بر اساس اسناد بین‌المللی

ماده ۵۳ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیونهای ۱۹۴۴ ژنو و ماده ۱۶ پروتکل ضمیمه دوم و بند یک ماده چهار کنوانسیون اموال فرهنگی بیان می‌دارد تمام اموال فرهنگی باید مورد حمایت عام قرار گیرند و نیاز به ثبت خاص ندارند (قاسمی، ۱۳۹۳: ۸۳). اموال فرهنگی که در حمایت عام قرار دارند نباید مورد حمله قرار گیرند و یا به گونه‌ای دیگر متحمل خسارت شوند (دپتر فلک، ۱۳۸۷: ۵۱۲)؛ از این رو هر آنچه در کنوانسیون اموال فرهنگی آمده است به خودی خود مشمول حمایت عام قرار می‌گیرند. اماکن آموزشی نیز در صورت منع به کارگیری به عنوان مراکز نظامی و یا اهداف نظامی از این قاعده مستثنی نیستند.

حمایت خاص از اماکن آموزشی بر اساس اسناد بین‌المللی

پناهگاه‌های اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، مراکز دربردارنده آثار تاریخی و اموال فرهنگی غیرمنقولی که اهمیت بسیار زیادی دارند (دپتر فلک، ۱۳۸۷: ۵۱۶) مطابق بند اول ماده هشت کنوانسیون فرهنگی از حمایت خاص برخوردارند؛ از این رو می‌توان اذعان داشت که اماکن آموزشی یمن فاقد وصف حمایت خاص هستند چراکه این اماکن می‌بایستی از چنان اهمیتی برخوردار باشند که مطابق بند ششم ماده سه کنوانسیون اموال فرهنگی به ثبت بین‌المللی اموال فرهنگی مورد حمایت خاص نزد یونسکو رسیده باشد و همچنین این اماکن مورد استفاده نظامی قرار نگرفته باشند (قاسمی و باقرزاده، ۱۳۹۲: ۲۴).

حمایت از اماکن آموزشی به موجب رویه دولت‌ها و رویه قضایی بین‌المللی

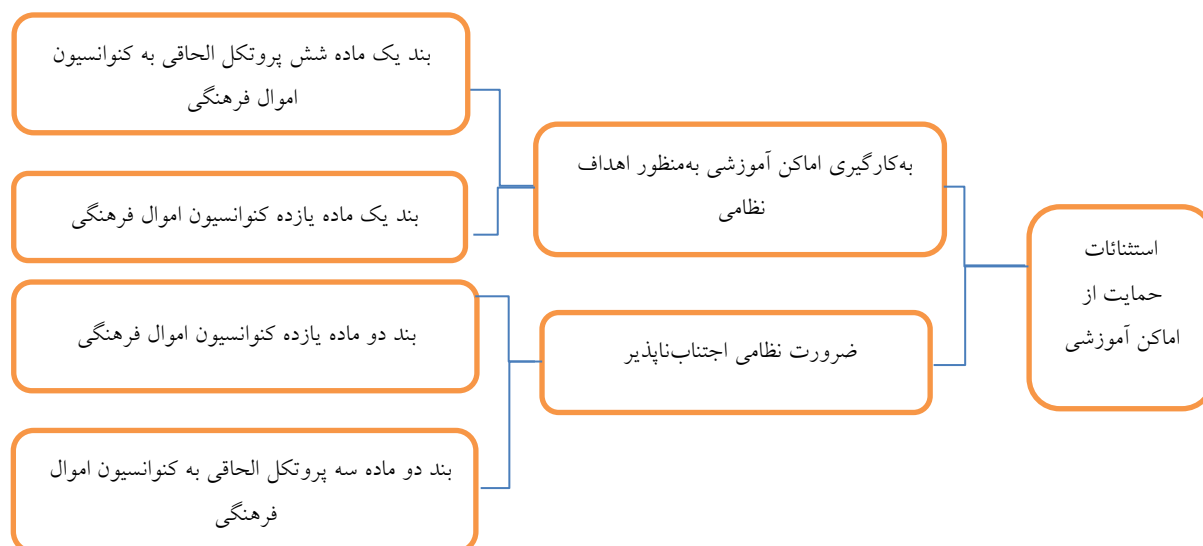
ازجمله مصادیق مسئولیت دولت‌های ثالث را می‌توان اعطای کمک‌های مادی (مالی، نظامی، تسلیحاتی و ...) نام برد که دولت دریافت‌کننده، آن را در جهت نقض تعهدات بین‌المللی به کار گیرد. موارد بسیاری از رویه دولت‌ها در خصوص این نوع کمک‌ها و محکومیت آن موجود است که به چند مورد اشاره می‌شود: در سال ۱۹۵۸، پارلمان انگلیس راجع به تأمین تسلیحات و تجهیزات

نظامی توسط برخی دولت‌ها برای یمن که آن‌ها را متعاقباً در حمله‌ای علیه عدن به کار گرفته بود، از دولت انگلیس توضیح خواست. همچنین در سال ۱۹۸۰، شورای امنیت طی قطعنامه ۴۶۵ برای ساخت واحدهای مسکونی در قلمرو سرزمین اشغالی توسط رژیم اسرائیل، مفهوم معاونت در نقض حقوق بین‌الملل را استفاده کرد و از دولت‌ها خواست که به دلیل نقض حقوق بین‌الملل توسط اسرائیل در ساخت وسازهای غیرمجاز در قلمرو سرزمین اشغالی، از اعطای کمک‌های مالی به این رژیم خودداری شود (Y.B.I.L.C, 1980: 427). از دیگر موارد قابل اشاره، قطعنامه شماره ۶۲۰ مورخ اوت ۱۹۸۸ در رابطه با منع کمک به عراق در حمله شیمیایی به ایران بوده است که شورای امنیت سازمان ملل استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق را محکوم نموده و از کلیه دولت‌ها می‌خواهد از ارائه هرگونه تسلیحات شیمیایی که ممکن است در مخاصمه مورد استفاده طرفین قرار گیرد، خودداری نمایند. موارد فوق‌الذکر نشان از اعتقاد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عدم پشتیبانی و کمک به نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت‌های دیگر دارد (توکلی طبسی و منصوری، ۱۳۹۲: ۷۱). به نظر می‌رسد شورای امنیت با توجه به قطعنامه شماره ۲۲۱۶ (مصوب ۱۴ آوریل ۲۰۱۵) مبنی بر حمایت از اقدام عربستان با نگاهی سیاسی و جانب‌دارانه، توجه چندانی به رویه‌های قبلی نداشته و به‌جای محکوم نمودن حامیان عربستان در حمله به اماکن آموزشی یمن، با سکوت خود دلیلی بر تکرار چنین جنایاتی در آینده شده است.

استثنائات حمایت از اماکن آموزشی به موجب حقوق بشردوستانه

حمایت از اماکن آموزشی تا جایی قابل استناد است که به‌عنوان اهداف نظامی قرار نگرفته باشد و به موجب اسناد حقوق بشردوستانه حمایت از این اماکن در دو مورد امکان‌پذیر نیست:

جدول ۲- استثنائات حمایت از اماکن آموزشی به موجب حقوق بشر دوستانه



۱- استفاده از اماکن آموزشی برای اهداف نظامی

به کارگیری نظامی از اماکن آموزشی در مخاصمات مسلحانه موجبات ممنوعیت حمله به آن‌ها را ساقط می‌نماید. این موضوع را می‌توان در بند اول ماده یازده کنوانسیون اموال فرهنگی و بند نخست ماده شش پروتکل دوم الحاقی به این کنوانسیون مشاهده نمود (قاسمی، ۱۳۹۳: ۸۹). برای نمونه این اماکن می‌تواند برای نقل و انتقال قوا یا تجهیزات نظامی استفاده شود؛ یا اینکه، در این اماکن، عملیاتی انجام شود که با اقدامات نظامی رابطه مستقیم داشته یا محل تولید مصالح جنگی قرار گیرد (دیتر فلک، ۱۳۸۷: ۵۱۲). آنچه عربستان و حامیان‌ش در حمله به اماکن غیرنظامی یمن از جمله بیمارستان‌ها و مدارس و ... بدان متوسل می‌شوند ادعای استفاده یمن از اماکن مذکور برای اقدامات نظامی است که با توجه به تعداد زیاد کشته‌شدگان کودک و افراد غیرنظامی، این ادعا غیرواقعی و کذب می‌باشد.

۲- در صورت ضرورت نظامی اجتناب ناپذیر

ضرورت نظامی اجتناب ناپذیر، از موارد قابل مناقشه است چراکه سازوکارهای لازم جهت تشخیص این ضرورت وجود ندارد. باین حال در بند دوم ماده یازده کنوانسیون اموال فرهنگی و بند دوم ماده سه پروتکل دوم الحاقی، به امکان اعتراض از مصونیت و حمایت از اموال فرهنگی که اماکن آموزشی جزئی از آنهاست اشاره شده است. ماده سه پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ اشاره می نماید: اقدام خصمانه بر ضد اموال فرهنگی، مجاز نیست مگر آنکه عملاً هیچ گزینه ای ممکن دیگری برای دستیابی به مزیت نظامی مشابه حاصل از چنین اقدامی موجود نباشد. همان طور که کنوانسیون ۱۹۵۴ مقرر داشته، تصمیم استناد به ضرورت نظامی آمره نیز دیگر به اختیار فرمانده حاضر در محل نیست، بلکه بر عهده افسری در حد سرگرد و بالاتر است؛ مگر اینکه موقعیت، چنین فرضی را برای کسب اجازه از او ندهد (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴: ۱۶۱). باین حال اقدام عربستان و حامیان در تعرض به اماکن آموزشی یمن فاقد وجاهت می باشد چراکه گزینه های ممکن دیگری برای دستیابی به مزیت نظامی مشابه حاصل از چنین اقدامی در دسترس بوده است.

رابطه تخریب اماکن آموزشی با جنایت جنگی به موجب حقوق بین الملل

جنایات جنگی را نقض قانون ها و آداب و رسوم جنگی می دانند که محدود به قتل و غارت و برخورد ناشایست با انسان ها نبوده بلکه ویرانی عمدی شهرها و روستاها در صورتی که نیاز نظامی قابل توجیه وجود نداشته باشد را در بر می گیرد؛ از این رو هرگونه نقض جدی حقوق مخاصمات مسلحانه به عنوان یک جرم جنگی محسوب می شود (راجرز و پل مالرب، ۱۳۸۷: ۳۲۱). ماده هشت اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، حمله عمدی بر ضد ساختمان های مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه که برای اهداف نظامی استفاده نشوند را جنایت جنگی محسوب نموده است. همچنین در بند (د) ماده سه اساسنامه دیوان بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق چنین مقرر شده است که تخریب غارت و ایراد خسارت عمدی به مؤسسات مذهبی و آموزشی، بناهای یادبود و آثار هنری و علمی، از جمله جنایات جنگی محسوب می شود.

علاوه بر آن بند پنجم ماده ۸۵ پروتکل اول، نقض شدید کنوانسیون های ژنو و پروتکل را در حکم جنایات جنگی تعریف کرده است. در پروتکل چهارم همین ماده، هدف حمله قرار دادن مکان های

آموزشی، نقض پروتکل مزبور تلقی می‌شود. طبق متن بند چهارم ماده ۸۵، حمله به بناهای تاریخی کاملاً شناخته‌شده، آثار هنری و مکان‌های آموزشی که در حکم میراث فرهنگی ملت‌ها بوده و برای آن ترتیبات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است، به گونه‌ای که موجب ویرانی گسترده در آن‌ها شود، نقض شدید پروتکل خواهد بود. البته مطابق همین بند، این حکم مشروط بر این است که مکان‌های آموزشی برای اهداف نظامی به کار گرفته نشود و در مجاورت مستقیم هدف‌های نظامی واقع، نشده باشد (قاسمی، ۱۳۹۳: ۸۶). براین اساس و مطابق بند پنجم ماده ۸۵ پروتکل اول، ماده هشت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و همچنین بند چهارم ماده سه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، اقدام حامیان عربستان در حمله به اماکن آموزشی یمن را می‌توان از مصادیق جنایت جنگی تلقی نمود. همان‌طور که در بحث استثنای ضرورت اقدام نظامی علیه اماکن آموزشی بیان شد، از اماکن آموزشی یمن نه تنها برای اهداف نظامی استفاده نشده، بلکه در مجاورت مستقیم هدف‌های نظامی نیز واقع نشده است.

انطباق عملکرد حامیان عربستان در حمله به اماکن آموزشی یمن با پیش‌نویس مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مصوب ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل

مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت در ماده ۵۸ پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مصوب ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل (DARIO)^۱ نیز پیش‌بینی شده است. ماده ۵۸ چنین مقرر می‌دارد: کشور عضو از نظر بین‌المللی زمانی مسئولیت خواهد داشت که به سازمان‌های بین‌المللی در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، کمک و با آن‌ها همکاری کند به شرطی که این همکاری و کمک، همراه با علم و آگاهی به اوضاع و احوال موضوع باشد. از این منظر مساعدت دولت‌ها با شورای همکاری خلیج فارس در حمله به یمن مسئولیت بین‌المللی ایشان را به همراه خواهد داشت.

1 Draft Articles on Responsibility of International Organizations

احراز وقایع و انطباق عملکرد حامیان عربستان در حمله به اماکن آموزشی یمن به

موجب پیش نویس مسئولیت بین المللی دولت‌ها ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل

دول حامی عربستان در حمله به یمن نه تنها در قالب کمک و مساعدت بلکه پا را فراتر از آن گذاشته و به عنوان همکاری واقعی در تخریب اماکن آموزشی اقدام نموده‌اند؛ از این رو این دولت‌ها ذیل عنوان مسئولیت ناشی از کمک، مساعدت یا معاونت در نقض حقوق بین الملل دارای مسئولیت بین المللی می‌باشند. در این راستا ماده ۲۷ طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۷۸ مقرر می‌دارد: «اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی بوده است که دولت اخیر انجام داده، این کمک و مساعدت به خودی خود، از نظر بین المللی نادرست است ولو اینکه فی نفسه ناقض یک تعهد بین المللی نباشد» (توکلی طبسی و منصور، ۱۳۹۲: ۷۱). تفسیر کمیسیون حقوق بین الملل چنین است که اقدام دولت ثالث نباید از محدوده کمک یا یاری فراتر برود زیرا چنانچه اقدام یک دولت فراتر از این محدوده باشد دیگر صرف کمک یا مساعدت مطرح نبوده و مسلماً شکل‌های دیگر همراهی با یک عمل متخلفانه بین المللی به وجود خواهد آمد که می‌تواند تا حد همکاری واقعی برای ارتکاب عملی که از نظر بین المللی نامشروع است قرار گیرد. نکته دیگر آنکه کمک و مساعدت منتج به نتیجه نیست و حتی چنانچه فعل متخلفانه صورت نپذیرد اما کمک به منظور ارتکاب عمل متخلفانه صورت پذیرفته باشد، این اقدام از نظر بین المللی مردود می‌باشد (Y.B.I.L.C, 1978:59). مضاف بر ماده ۱۷ کمیسیون پیش نویس مسئولیت بین المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱، موضوع مسئولیت دولت ثالث به دلیل کمک و مساعدت یا به نحوی نقش داشتن در ارتکاب فعل متخلفانه بین المللی از سوی دولت یا نهادهای غیردولتی را می‌توان در مواد ۱۶، ۱۷، ۴۱، ۴۲ و ۴۷ مشاهده نمود.

ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ چنین مقرر می‌دارد: «دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌شود در صورتی که آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین المللی به این کار اقدام کند و فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب یابد، فعل متخلفانه بین المللی محسوب شده و مسئولیت بین المللی خواهد داشت؛ از این رو چنانچه یک دولت، دولت دیگر را در راستای افعال متخلفانه بین المللی، به صورت

ارادی و با علم و آگاهی کمک نماید - به عنوان مثال تجهیزاتی را در اختیار دولت متخلف قرار دهد یا کمک مالی نماید - مسئولیت بین المللی خواهد داشت.

به موجب ماده فوق، کمک یا مساعدت دولت کمک کننده نباید با مسئولیت دولت مباشر یکی محسوب شود. در چنین شرایطی دولت کمک کننده، تنها تا حدی که رفتار او موجب عمل متخلفانه بین المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول خواهد بود (ابراهیم گل، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

بحث هدایت و کنترل از دیگر مواردی است که در ماده ۱۷ پیش نویس ۲۰۰۱ مسئولیت دولت ها از آن یاد شده است. گزارشات حاکی از آن است که دولت های کمک کننده به عربستان تحت عنوان شورای همکاری خلیج فارس و با رهبری و هدایت رژیم آل سعود، حملاتی را علیه مواضع غیرنظامی و از جمله اماکن آموزشی انجام داده اند؛ لکن به موجب ماده ۱۷ «دولتی که ارتکاب فعل متخلفانه بین المللی توسط دولت دیگر را هدایت و کنترل می کند در صورت وجود شرایط زیر، مسئول آن فعل خواهد بود:

الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین المللی به این کار اقدام کند؛
 ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می یافت، فعل متخلفانه بین المللی محسوب می شد؛^۱ بنابراین کشورهای حامی عربستان مطابق با ماده مزبور دارای مسئولیت بین المللی هستند.
 همچنین در بحث مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت دولتی به دولت دیگر می توان به بند دو ماده ۴۱ پیش نویس مسئولیت دولت ها استناد نمود؛ البته این ماده مربوط به وضعیتی است که نقض جدی یک تعهد آمره اتفاق افتاده و دولت های ثالث می بایست از شناسایی این وضعیت یا هرگونه کمک و مساعدت به حفظ آن وضعیت خودداری نمایند. بر اساس ماده فوق هیچ دولتی نباید وضعیتی را که با نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ نقض «قواعد آمره»^۱ ایجاد شده است، قانونی محسوب کند و نباید هیچ گونه کمک یا مساعدتی در حفظ آن وضعیت ارائه دهد. تعهد اول درج شده در بند دو ماده ۴۱، از اهمیت بالایی برخوردار بوده است تا جایی که از آن به عنوان یک سلاح قانونی مهم در مقابله با نقض های جدی قواعد آمره و قواعد اساسی حقوق بین الملل یاد می شود. نمونه ای از این نوع تعهدات، تعهد مربوط به عدم شناسایی اکتساب سرزمین از طریق توسل به زور یا کسب حاکمیت از طریق نقض حق تعیین سرنوشت^۲ یک ملت است (Tomuschat, 1998: 253).^۱ از

1 jus cogens

2 The right to self-determination

موارد قابل تأمل در تجاوز سعودی‌ها و هم‌پیمانانش به یمن، موضوع حق تعیین سرنوشت مردم کشور یمن است که مطابق بند دو ماده ۴۱ این حق مسلم که در عرف بین‌الملل از آن به‌عنوان قاعده آمره یاد می‌شود دچار نقض اساسی شده است.

نتیجه‌گیری

پس از درخواست رئیس‌جمهور مستعفی یمن، عربستان سعودی مسیر را برای تجاوز به این کشور و به بهانه اصل دفاع از خود مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد با ادعای مقابله با اقدامات جنبش انصارالله (حوثی‌ها) هموار دید. شورای امنیت نیز با نگاهی جانب‌دارانه و طی قطعنامه ۲۲۱۶ این مداخله را مورد تأیید قرار داد. از ابتدای تجاوز این رژیم، بارها افراد و اماکن غیرنظامی یمن از سوی موشک‌ها و جنگنده‌های سعودی و حامیانش مورد حمله قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که موجبات نقض حقوق بشردوستانه را فراهم نموده است. از جمله تعهدات اصلی دولت‌ها، تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که در ماده یک مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و نیز ماده یک پروتکل الحاقی اول گنجانده شده است.

از قواعد مهم بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه، عدم حمله به اماکن غیرنظامی از جمله مکان‌های آموزشی می‌باشد؛ اماکن آموزشی براساس عرف بین‌الملل، اصول کلی حقوقی، معاهدات بین‌المللی و همچنین رویه دولت‌ها و رویه قضایی بین‌المللی باید مورد حمایت قرار گیرد و ادعای مقابله با یکی از بازیگران غیردولتی (جنبش انصارالله یمن) مجوزی برای اعمال خشونت‌بار عربستان و حامیانش علی‌الخصوص تجاوز به مراکز آموزشی نمی‌باشد. حمایت از اماکن آموزشی به دو شکل عام و خاص مطرح است. حمایت عام از اماکن آموزشی براساس منابع حقوق بین‌الملل امری پذیرفته شده است چراکه ماده ۵۳ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیونهای ۱۹۴۴ ژنو و ماده ۱۶ پروتکل ضمیمه دوم و بند یک ماده چهار کنوانسیون اموال فرهنگی بیان می‌دارد تمام اموال فرهنگی باید مورد حمایت عام قرار گیرند. همان‌طور که اشاره شد از اماکن آموزشی (مدارس،

۱ برای مطالعه بیشتر رک: توکلی طبسی، علی و منصوری، فرنگیس، (۱۳۹۲) مسئولیت بین‌المللی دولتهای ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۹.

دانشگاه‌ها و ...) در حقوق بین‌الملل تحت عنوان اموال و اماکن فرهنگی یاد می‌شود و در حمایت عام قرار دارند؛ از این رو نباید مورد حمله قرار گیرند و یا به گونه‌ای دیگر متحمل خسارت شوند و تعرض به چنین اماکنی در صورتی که به منظور اهداف نظامی استفاده نشده باشد و همچنین در مجاورت مستقیم هدف‌های نظامی نباشد، موجبات مسئولیت بین‌المللی متجاوزان را در پی خواهد داشت.

با بررسی ماده هشت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، بند (د) ماده سه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی و بند پنجم ماده ۸۵ پروتکل اول به این موضوع هدایت می‌شویم که تخریب اماکن آموزشی مطابق حقوق بشردوستانه را می‌توان جنایت جنگی محسوب کرد. از این رو اقدام حامیان عربستان در حمله به یمن، اقدام به جنایت جنگی است چرا که آنان نه تنها در قالب کمک و مساعدت بلکه پا را فراتر از آن گذاشته و به عنوان همکاری واقعی در تخریب اماکن آموزشی اقدام نموده‌اند. از این رهگذر مسئولیت دولت‌های مداخله‌گر حامی عربستان، تحت عنوان مسئولیت ناشی از کمک، مساعدت یا معاونت در نقض حقوق بین‌الملل مطرح می‌باشد. این موضوع در ماده ۲۷ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۸ انعکاس یافته است. در طرح نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل، یعنی طرح مصوب سال ۲۰۰۱، بحث مسئولیت دولت ثالث به دلیل کمک و مساعدت یا به نحوی نقش داشتن در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت یا نهادهای غیردولتی، در مواد ۴۱، ۱۷، ۱۶، ۴۲ و ۴۷ گنجانیده شده است. طبق ماده ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ که مهم‌ترین ماده در این خصوص است، دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌شود در دو حالت مسئولیت بین‌المللی دارد: ابتدا آنکه دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند و دوم اینکه فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد. البته باید توجه داشت، کمک یا مساعدت دولت کمک‌کننده نباید با مسئولیت دولت مباشر خلط شود. در چنین حالتی دولت کمک‌کننده، تنها تا حدی که رفتار آن موجب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول است.

فهرست منابع

- آنتونی پ.و. راجرز، پل مالرب (۱۳۸۷). قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۱). مسئولیت بین المللی دولت، تهران: پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- توکلی طبسی، علی؛ منصوری، فرنگیس (۱۳۹۲). مسئولیت بین المللی دولت های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹.
- حدادی، مهدی؛ کریمی، سیامک (۱۳۹۶). مسئولیت بین المللی ناشی از اعمال منع نشده، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- دیتر فلک (۱۳۸۷). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه: سید قاسم زمانی، نادر ساعد، تهران: انتشارات شهر دانش.
- راعی، مسعود (۱۳۹۳). مسئولیت بین المللی دولت در قبال رفتار افراد و گروه ها در پرتو رویه قضایی. تهران: نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رضایی، صالح (۱۳۹۶). بررسی مسئولیت بین المللی دولت ها در عدم همکاری با مراجع بین المللی، همایش ملی حقوق بین الملل در آینه علوم روز، مقاله ۱۲.
- زمانی، سید قاسم؛ ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۰). تعمیم نظام مسئولیت بین المللی به بازیگران غیردولتی با تأکید بر جدایی طلبان، مجله حقوق بین الملل، شماره ۴۵.
- زمانی، سید قاسم و ساعد، نادر (۱۳۸۷). مبنای حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، تهران: نشر شهر دانش.
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۷۵). مجموعه مقالات حقوق جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- صابری، هنگامه (۱۳۷۸). ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه، تعهد دولت ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۴). حقوق مسئولیت سازمان های بین المللی، تهران: انتشارات خرسندی.
- قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۳). حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره دوم.
- قاسمی، غلامعلی؛ باقرزاده، سجاد (۱۳۹۲). حقوق بشردوستانه و حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۱۳۰.

کرافورد، جیمز (۱۳۹۵). **حقوق مسئولیت بین‌المللی**، ترجمه سید علیرضا ابراهیم گل، تهران: نشر سنگلج قلم.

کریستوفر گرین وود (۱۳۸۷). **سیر تحول تاریخی و مبنای حقوق بشردوستانه**، مترجم: دکتر حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر شهر دانش.

ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴). **حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.

هنکرتز، ژان ماری و دیگران (۱۳۸۷). **حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی**، ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.

والاس، ربکا (۱۳۸۲). **مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل**، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و دکتر مهناز بهراملو، تهران: مؤسسه تحقیقاتی حقوقی شهر دانش.

- Robert.L.Bledsoe and Boleslaw A Boczek, (1987), **The International law dictionary**.
- J. Pictet, **Commentary on the Geneva Convention I of 1949**, ICRC, Geneva, 1960.
- Philip Alston, (2005) **Non-state Actors and Human Rights**, Newyork, Oxford University Press.
- M.hollis and S.smith, "**Be ware of gurus: structure and action in internatinal relations**", Review of International Studies 17.
- Gao, Sheng, (2010), **International Protection of cultural Property: Some Preliminary Issues and the Role of International Conventions**, Singapor Year Book of International Law and Contributors.
- Hague convention for the Protection of cultural property in the event of Armed conflict of 14may 1954.
- Draft Articles on Responsibility of International Organizations (DARIO)
- C. Tomuschat, (1998) "**International Crimes by States: An Endangered Species**", in K. Wellens (ed), International Law, Theory and Practice.
- M.hollis and S.smith, "**Be ware of gurus: structure and action in internatinal relations**", Review of International Studies 17.
- A. Bird, (2011) "**Third State Responsibility for Human Rights Violations**", EJIL, vol. 21, No. 4.
- Walter, Edith. (2011), "**HOT Issues and Their Handling**", Outer Space in Society, Politics and Law, Vol.8.
- Shahriari, Mohammad Ali & Shafiee, Esmaeil & Vaez, Nafise, (2016) "**The Analysis of I.R. Iran & Saudi Arabia Approach in Syria (Within Framework of Game Theory)**", International Journal of Political Science & Development, Vol. 4(7).
- Ibrahim, Raslan, (2016) "**Regional Organizations & Internal Conflict: The Arab League and the Arab Spring**", BPC Policy Brief Vol. 4. No.2.
- UN, a More Secure World: Our Shared Responsibility, Report of the High- Level Panel on Threats, Challenges and Change (the high- level panel's report), New York, UNDPI, 2002.
- Statute of the International Criminal Court
- Yearbook of the International Law Commission, 1980.
- Yearbook of the International Law Commission, 1978, vol. II, para 1.
1. <https://www.irna.ir/news/81731670>